

اعلامیه مطبوعاتی

موضوع جدی است، نه شوخی و بازی!

(ترجمه)

رژیم یهود تنها به مداخله نظامی در سوریه بسنده نکرده، بلکه پا را فراتر گذاشته و به مداخله سیاسی نیز روی آورده است. توافقی که میان مقامات سوریه و بزرگان و مشایخ طایفه دروزی در خصوص استان سویدا حاصل شده بود، روز یکشنبه وارد مرحله اجرا شد؛ به گونه‌ای که نیروهای پلیس از اهالی منطقه وارد روستای «الصورة الكبرى» شدند و نیروهای دستگاه امنیت عمومی از مرزهای اداری میان استان‌های سویدا و درعا در جنوب سوریه عقب‌نشینی کردند؛ چنان‌که منابع امنیتی مسؤول به روزنامه «القدس العربی» تأیید کرده‌اند.

بر اساس این توافق، به نیروهای امنیتی و نظامی مستقر در اطراف استان سویدا، در دو شهرک «الصورة الكبرى» و «المزرعة» دستور داده شد که به پایگاه‌های اصلی خود بازگردند و این اقدام هم‌زمان با آغاز مرحله اول اجرای توافق صورت گرفت.

این توافق، که دو روز پیش با بزرگان و مشایخ طایفه و نمایندگانی از فعالان دینی و اجتماعی به دست آمده، بر فعال‌سازی نقش وزارت کشور و پلیس قضایی در استان سویدا از میان اهالی همان استان تأکید می‌کند. در مقابل، تمام نیروهای امنیتی و نظامی از اطراف استان خارج خواهند شد.

به گفته منابع، گروه‌هایی که قرار است در داخل و خارج از استان مستقر شوند، همگی از اهالی منطقه‌اند که در وزارتخانه‌های کشور و دفاع به‌کار گرفته خواهند شد. این توافق به‌عنوان گامی در راستای «اداره محلی گسترده‌تر» توصیف شده است، و آن را گامی ملموس به سوی تمرکززدایی دانسته‌اند.

خروج نیروهای امنیت عمومی وابسته به حکومت دمشق از این شهر و جایگزینی آن‌ها با نیروهای پلیس محلی از اهالی سویدا، آن‌گونه که در توافق اخیر بین دمشق و سویدا آمده و باقی‌ماندن محافظ استان، مصطفی بکور، تنها به‌صورت ظاهری و اسمی، نشانه‌ای است از شکل‌گیری «نقشه سیاسی جدید سوریه» با سه منطقه مشخص: منطقه دمشق، منطقه شرق فرات، و منطقه سویدا.

ناتوانی حکومت دمشق در ارائه راحل‌های سیاسی کارآمد در قبال آنچه که به‌عنوان «اقلیت‌ها» شناخته می‌شود و نبود راحل‌های شرعی در این زمینه، در واقع زمینه‌ساز تجزیه کشور است و خطر اقلیت‌ها را بیشتر می‌کند و در مداخلات خارجی را باز می‌گذارد و آن‌ها را در ساختن ابزارهای داخلی تقویت می‌نماید.

مردم انقلاب، زمانی که در سال ۲۰۱۱ انقلاب خود را آغاز کردند، مسیر خود را مشخص کردند و اهداف و اصول خود را تعیین نمودند؛ که از جمله آن‌ها، قطع نفوذ خارجی و جلوگیری از دخالت بیگانگان در امور اهل شام و سرزمین‌شان بود. عجیب آن‌که امروزه این دخالت‌ها به‌صورت آشکار و بی‌پرده در حال وقوع است!

این‌که رژیم یهود در مسائل داخلی سوریه صاحب نظر و نقش شده باشد، پس از فرار رئیس نظام ساقط شده، امری بزرگ و بسیار خطرناک است؛ به‌ویژه با در نظر گرفتن ارتباطاتی که این رژیم با برخی از مشایخ دروزی برقرار کرده و آن‌ها را به‌سمت درخواست برای تمرکززدایی سوق داده است، چیزی که از مفاد توافق صورت‌گرفته با برخی شخصیت‌ها در استان سویدا به‌روشنی فهمیده می‌شود. این توافق به آن‌ها نوعی حاکمیت شبه‌خودگردان می‌دهد که ممکن است دیگران را نیز به پیروی از این مسیر و رویکرد تشویق کند؛ به‌ویژه آن‌که بسیاری از گروه‌ها در کمین‌اند تا منافع و آرزوهای جدایی‌طلبانه خود را محقق سازند.

پس معنای این‌که سلاح در دست آن‌ها باقی بماند چیست؟! سپس معنای این‌که خودشان امورشان را اداره کنند چیست؟! و چه مفهومی دارد که گفته شود منصب فرماندار «منصبی شکلی» باقی بماند؟! این‌که سلاح بر اساس خواسته‌ی خودشان در اختیارشان باشد تا با آن از خود دفاع

کنند، چه معنایی دارد؟! در مقابل چه کسی قرار است از خود دفاع کنند؟! چگونه ممکن است یک دولت بپذیرد که سلطه‌اش بر بخشی از اتباعش ناقص باشد؟!

آنچه در سویداء رخ داد، نقض آشکار مفهوم حاکمیت است؛ مفهومی که دولت باید در سراسر قلمرو خود آن را محقق سازد. همان‌گونه که این نقض پیش‌تر در توافق با نیروهای «قسد» در مناطق شرق فرات نیز صورت گرفته بود. همین امر، طمع‌ی بقایای نظام ساقط شده در منطقه ساحلی را برانگیخت و آن‌ها را واداشت تا در ماه رمضان گذشته، اقداماتی را انجام دهند.

آنچه رخ داده تنها تن دادن به حاکمیتی ناقص نیست، بلکه آغاز پایه‌گذاری یک نظام خودگردان است. حکومتی که اگر تشکیل شود، در آینده باعث جاری شدن رودهای خون خواهد شد تا این مناطق دوباره تحت حاکمیت دولت بازگردند. پس چرا باید چنین کاری انجام شود و به چه قیمتی؟!

اکنون ابراز مخالفت با این توافق، که پیامدهای مهمی در پی دارد، به یک وظیفه تبدیل شده است. مردم سوریه قیام نکردند تا به تجزیه سرزمین‌شان رضایت دهند، بلکه برای وحدت و یکپارچگی زیر پرچم اسلام قیام کردند؛ نظامی که بدون تبعیض، بر اساس احکام شرع، حقوق همه‌ی شهروندان را تضمین می‌کند.

تصمیماتی که به یک طایفه یا گروه خاص امتیازات ویژه یا حکومتی خودگردان می‌دهند، مشروعیتی ندارند و مردم شام آن‌ها را نخواهند پذیرفت، بلکه تنها موجب رضایت دولت‌های توطئه‌گر و ابزارهای آن‌ها خواهد شد.

اکنون دخالت رژیم یهود آشکار شده است؛ اوست که صحنه‌ی دفاع از این گروه را در دست گرفته، و از حمایت آن‌ها سخن می‌گوید، و نتیجه روشن است: توافقی که دقیقاً مطابق خواسته‌های مزدوران رژیم یهود شکل گرفته است.

امروز، پس از تمام این رویدادها، مسئله نیاز به موضع‌گیری قاطع و روشن دارد. چرا که این ادعاها و درخواست‌ها تا زمانی که قاطعیت و حساب‌کشی وجود نداشته باشد، باقی خواهند ماند و تا زمانی که گوش‌هایی به بیرون سپرده شود و به شریعت الله سبحانه و تعالی و خواسته‌های حامیان انقلاب پشت شود، خطر باقی خواهد بود.

این انقلاب برای هدفی بزرگ به پا خواست و اصولی برای خود تعیین کرد، پس نباید به هیچ قیمتی این اصول را واگذار کرد. وظیفه ما حفاظت از انقلاب و دستاوردهای آن است؛ با اجرای شریعت الله سبحانه و تعالی در سایه خلافت راشده بر منهج نبوت و با تحقق اصول و ثوابت انقلاب‌مان تا طعمه‌ی پروژه‌ها، طمع‌ورزی‌ها، منافع و نقشه‌های دولت‌های خارجی نشویم.

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾

ترجمه: در این، یادآوری است برای کسی که دل دارد یا گوش فرا دهد و حضور قلب داشته باشد.

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-ولایه سوریه